

پیترو راوللی

بهمن مه آبادی

پیترو راوللی^۱ در ششم فوریه سال ۱۷۹۳ در برگامو^۲ واقع در شمال ایتالیا دیده به جهان گشود، او کودکی نابغه بود و خانواده‌اش از اهالی بومی آن دیار محسوب می‌شدند؛ پدرش آلساندرو راوللی^۳، ویلنیستی که در سرزمین‌های اروپایی کنسرت می‌داد، در وایمار کاپل مایستر ارکستر دربار بود. کودکی پیترو در سکوت و انزوا گذشت؛



برگامو

¹Pietro Rovelli

²Bergamo

³Alessandro Rovelli

اولین تعلیمات موسیقی را نزد پدر بزرگش جیووانی باتیستا راوولی^۴ که همیشه مورد توجه و احترامش بود، فراگرفت و تا سن سیزده سالگی زیر نظر او، که استاد، مصنف و کنسرت‌مایستر در نمازخانه کلیسای جامع سنت ماریای بازیلیکا^۵ در برگامو بود، آموزش دید. پیترو پس از موفقیت در کنسرت ایتالیا و سوئیس، تعلیمات خود را در کنسرواتوار پاریس با استاد ویلن و آهنگساز نامی ردلف کروترز^۶ پی گرفت. با آموزش‌های مخصوص او پخته



کلیسای جامع سنت ماریای بازیلیکا

و کار آزموده شد و بعد از کنسرت‌های موفقش در فرانسه و آلمان به مقام "برترین اجراکننده" در دربار موناکوی باواریا دست یافت و در آن جا با لودویک اشپور^۷ نواخت.

⁴Giovanni Battista Rovelli

⁵Basilica of Santa Maria Maggiore in Bergamo

⁶Rodolphe Kreutzer

⁷Ludwig Spohr

لودویک اشپور (۱۷۸۴-۱۸۵۹) ویلنیست آلمانی؛ رهبر و آهنگساز نامداری که هفده کنسرتو برای ویلن و نیز اُراتوریو، سمفونی و تعدادی موسیقی مجلسی شامل چهار دابل کوارتت زهی و یک نونتت و بسیاری قطعات



لودویک اشپور



رُدلف کروتزر

دیگر تصنیف کرده است، در اواخر سال ۱۸۱۵ با مشاهده نوازندگی راوللی و تمجید از او ابراز کرد: "راوللی با برخورداری از مزایای هنری مکتب ویلن پاریس توانسته است، کامیابی و موفقیت را در خود معنا کند و با جمع کردن سطوح کیفی عالی که مدت‌ها پراکنده و منفصل بود، قانون و اقتداری را به وجود آورده است که از دیر زمان لازم و ضروری به نظر می‌رسید؛ این قوانین و نوآوری‌ها نه تنها برای خود راوللی بلکه برای تمام کسانی که با ویلن سر و کار دارند، به طور جدی ضرورت دارد. راوللی طراح قوانین اصولی برای احساس و آزمایش‌های شخصی است که به واقع افتخار آفرین به نظر می‌رسد."

اظهارات اشپور که در موسیقی ویلن خود از نام‌داران به‌شمار می‌رود، نشان‌دهنده عظمت شخصیت راوللی است. این جملات تشویق‌آمیز پیتر را بیش از پیش واداشت تا برای همراهی با تورهای کنسرتی اعلام آمادگی کند. او در آلمان دورتر از وین در سال ۱۸۱۷ با اجراهای مختلف موفقیت‌های شایانی به دست آورد و از ۱۸۱۵ تا ۱۸۱۸ کنسرت‌مایستر ارکستر سلطنتی مونیخ بود. در جریان یکی از سفرهای کنسرتی‌اش به وین، با پیانیست میشلین رِنجر^۸ دختر یکی از حامیان بهتوون آشنا شد و با او پیمان زندگی بست. در شماره‌ای از مجله‌ی موسیقی وین^۹

^۸Micheline Ranger

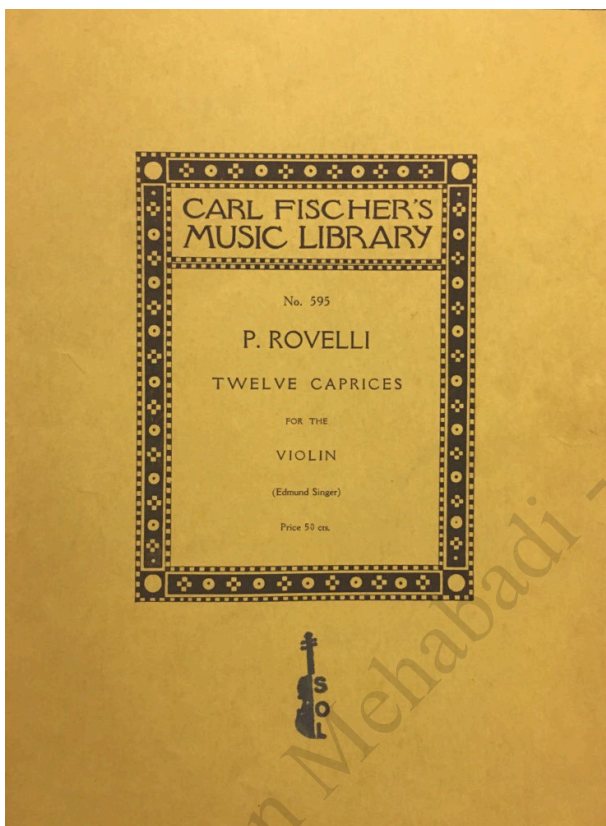
صفحه ۶۳، نقدی درباره نوازندگی سلویِ راوللی به این شرح نوشته شده است: "راوللی یکی از بشاش‌ترین نوازندگان ویلن است که در نقش خود، خوش می‌درخشد. او همه‌ی نت‌های موسیقی را گویی از پیش پرورش داده و با شکل و سبکی مخصوص به اجرا می‌گذارد؛ تاثیر راوللی بر روی شنوندگانش عمیق، روحانی و ژرف است. پیتر راوللی تمام خواسته‌های موزیکالیته‌ی قطعات اجرایی را به نحوی عالی برآورد کرده و با سبک نوازندگی درخشان حاضران را به شادمانی و ضیافتی آسمانی فرا می‌خواند. چنین اجرای گرم و صمیمی از طرف شنوندگان نیز بی‌جواب نمی‌ماند؛ به‌طوریکه آن‌ها در تمام لحظه‌ها با نگاه‌ها و گوش سپردن‌های خود، او را لمس کرده و از وی قدردانی می‌کنند. راوللی در دنیای موسیقی یک نابغه است. او چنان دقیق انگشت بر سیم‌های ویلن می‌گذارد که گویی نواها از برلیان‌های پرتللو تراشیده شده‌اند. راوللی، کم‌یاب‌ترین کیفیت‌ها را با لذت‌بخش‌ترین صداها چنان خالص و منزه به هم می‌پیوندد که به نوای آسمانی می‌ماند. اجرای نوآنس و موزیکالیته‌ی راوللی در نوع خود بی‌همتاست. برخورد او با تکنیک دست راست، ظریف، باوقار، نیرومند و غیرمعمول است. وی از آرشه به گونه مختص خود استفاده می‌کند."

درج این جملات در مجله موسیقی وین، نشان‌دهنده‌ی اعتبار این ویلنیستِ مصنف است، با این همه اطلاعات ما در مورد پیتر راوللی اندک و مختصر بنظر می‌رسد و درباره آهنگسازی او نیز ابهامات بسیاری ناشی از گذشت زمان وجود دارد. ولی می‌دانیم که او در وین کاپریس‌های مشهور خود را برای چاپ آماده کرد. دوازده کاپریس برای ویلن، از جمله آثار معروف راوللی است؛ این کاپریس‌ها، اصول اساسی و بسیار واقعی سرچشمه‌های هنر نوازندگی ویلن را در خود جا داده‌اند و از جنبه‌های بسیار برجسته‌تر از دیگر آثار هم‌ردیف خود هستند. این کاپریس‌ها، هم‌پایه‌ی درس‌های کلاسیکِ تکنیک‌نویسان بزرگ ویلن نظیر رُدلف کروتزر، فدریکو فیوریلو^{۱۰} و پیر رُد^{۱۱} به‌شمار می‌روند. این دوازده کاپریس استثنایی رتبه‌ای برتر برای اعتبار نوازنده در نت‌های دوپل هستند.

⁹Wiener Musikzeitung(1817), p.63

¹⁰Federigo Fiorillo

¹¹Pierre Rode



دوازده کاپریس راوللی برای ویلن

راوللی با زرنگی و تدبیر خاصی، ایده‌های خود را برای جابجا کردن انگشتان دست چپ در محدوده‌ی پوزیسیون‌های مخصوص به کار برده و البته با آگاهی، تحرکات پوزیسیونی را از پایین به بالا و برعکس به گونه‌ای استادانه در نظر داشته است؛ پیش‌نیاز این تمرین‌ها، به نظر بسیار سودمند می‌آید؛ بویژه زمانی که دربابیم آن‌ها در راستای رفتاری برتر در هنر نوازندگی و پرورش آرشه در حرکت‌های گوناگون ساخته شده‌اند.

باری، مسئولیت کنسرت مایستر سلطنتی در مونیخ با کارشکنی مواجه شده و به ناچار در ۱۸۱۹ مجبور به استعفا می‌شود و به وطن‌اش ایتالیا باز می‌گردد.

حال او مدیر چندین ارکستر و در عین حال کاپل مایستر کلیسای جامع سنت ماری است که به مدت چهل سال به پدربرزگش، جیووانی باتیستا راوللی تعلق داشت. اینک پیترو مصمم بود تا خود را بیش از پیش وقف موسیقی کند. آموزش، نوازندگی سلو و آهنگسازی در سرلوحه برنامه‌اش قرار داشت. پیو انستیتو موزیکال^{۱۲} که توسط سایمون مایر^{۱۳} تاسیس شده بود، کرسی استادی ویلن را به او سپرد و راوللی در این دوران‌ها بود که استعداد

¹²Pio Institute Musical

¹³Johann Simon Mayr



فدریکو فیوریلو



پیر رد



سایمون مایر

خاص‌اش را در کلاس و صحنه آموذ. در کلاس مشغول تدریس موسیقی و در تنهایی‌اش سرگرم نواختن و آزمون تکنیک‌های تازه بر روی ساز محبوبش، ویلن شد. وی بی‌وقفه می‌نواخت و گاهی نیز تصنیف می‌کرد. ویلن کنسرتو، تعدادی کوارتت زهی و واریاسیون به‌همراه روش‌هایی برای ویلن و پیانو از محصولات این دوران‌اند. حضور راوللی در مقام رهبر ارکستر در فصل‌های مختلف هنری اپرا نیز از مطالب قابل توجه در این زمان‌هاست.

مهارت آموزشی راوللی در کلاس درس، باعث شرکت شاگردان زیادی برای سود بردن از گنجینه‌های معنوی او و استقبال چشم‌گیر مریدان‌اش، وی را تشویق کرد تا بیشتر کار کند و کمتر بیاساید. او نیز با شور و شوقی خاص در انتقال معلومات علمی‌اش می‌کوشید. از نامدارترین شاگردان دوران مونیخ او می‌توان از برنهارد مولیکو^{۱۴} و توماسس تالیزیک^{۱۵} نام برد که بعدها از مریدان او هستند؛ گذشت زمان راوللی را خسته و فرسوده ساخت و کار توان‌فرسا، او را به مرز پیری رساند. در نتیجه وی در سال ۱۸۳۲ بدلیل خستگی، ضعف و بیماری از بسیاری فعالیت‌های خود دست شست. دیگر صدای مرگ را می‌شنید ولی تصمیم داشت هنوز کار کند. سکوت ناگهانی‌اش در مرز ۴۵ سالگی همگان را بهت زده کرد! مرگ او در هشتم سپتامبر سال ۱۸۳۸ زمانی که موسیقی در

¹⁴Bernhard Molique

¹⁵Thomas Täglichsbeck



برنهارد مولیکو



توماسس تالیزیک



نیکولو پاگانینی

اروپا گام‌های جدیدی را بر می‌داشت، اتفاق افتاد. راوللی در طول زندگی خود آدمی مهربان، باگذشت، فداکار و بسیار متواضع بود. همیشه خود را آماده‌ی آموختن و از نو تجربه کردن می‌دانست؛ مرگ او باعث تعمق بیشتر در آثارش شد. دوازده کاپریس راوللی تمام مدارس عالی موسیقی را یکی پس از دیگری درنوردید و نام‌اش را هم-ردیف نام کسانی قرار داد که تاریخ برای آنان جاودانگی را رقم زده بود. همچنین ویلن گوارنری دل‌جه‌زوی^{۱۶} راوللی با اعلام تمایل نیکولو پاگانینی^{۱۷} به وی فروخته شد.

چندین سال بعد از مرگ راوللی، پروفیسور ادموند سینگر^{۱۸} ویلنیست مجارستانی دوازده کاپریس او را مورد مطالعه قرار داد و با تجدیدنظر و اصلاحاتی دوباره چاپ کرد. صاحب‌نظران موسیقی ویلن معتقدند که یکی از بهترین انتشارات دوازده کاپریس راوللی نسخه تجدید نظر شده توسط پروفیسور سینگر است. در چاپ جدید کاپریس‌های راوللی با اصلاحات سینگر، او به اصل آلمانی اثر دقیقاً و با تمام جزئیات و تفاسیر وفادار مانده است. نسخه‌ی آلمانی نیز به هیچ وجه اصلاح یا حکاکی نشده است. اما متنی انگلیسی موجود است که در آن هر جا که لازم به نظر می‌رسیده، اصلاحاتی به عمل آمده است. سینگر آن‌ها را طوری منظم کرد که شایسته و درخور احترام لازم باشد و البته نبوغ، ذوق و استعداد فوق‌العاده‌اش را نیز به نمایش بگذارد. دوازده کاپریس راوللی از ماندنی‌ترین آثار برای ویلن است که در پیشرفت و گسترش هنر نوازندگی این ساز نقش مهمی داراست.

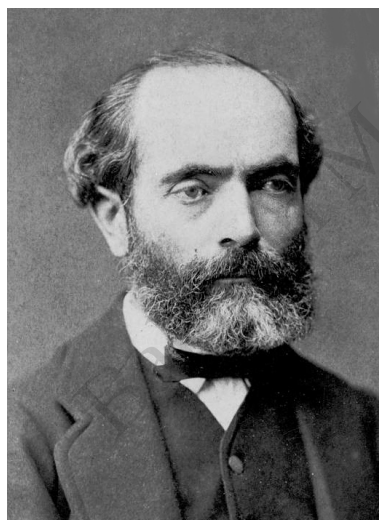
¹⁶Guarnieri del Gesù

¹⁷Niccolò Paganini

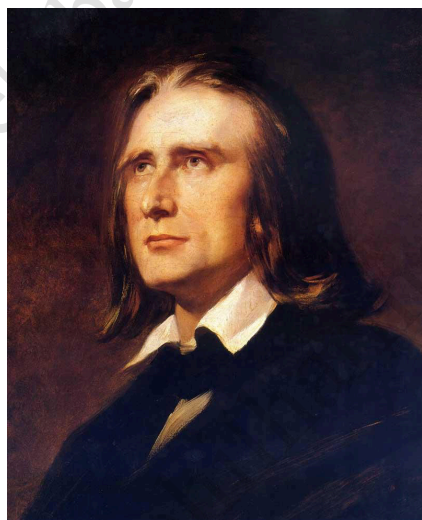
¹⁸P.Edmund Singer

یادداشتی درباره پروفیسور ادموند سینگر:

پروفیسور ادموند سینگر ویلنیست مجار به تاریخ چهارده اکتبر ۱۸۳۰ در توتیز^{۱۹} مجارستان متولد شد. تحصیلات موسیقی او با پروفیسور گوستاو الینگر^{۲۰} و رادیلی کوهن^{۲۱} ویلنیست مشهوری که معلم لئوپلد آور^{۲۲} نیز بود، آغاز شد و سپس در وین با جوزف بوهم^{۲۳} در ساز ویلن ادامه یافت. ادموند سینگر آهنگسازی را زیر نظر گوتفرد پری^{۲۴} یاد گرفت و آن پس از ۱۸۴۴ تا ۱۸۴۶ جهت ادامه تحصیل راهی کنسرواتوار پاریس شد و کنسرت فارغ التحصیلی خود را نیز در آنجا ارائه داد. بعدها سینگر بعنوان کنسرت مایستر و ویلن سولیست در تاتر آلمانی بوداپست مشغول شد. از ۱۸۵۱ تا ۱۸۵۴ او تورهای کنسرتی موفق اش را، در اروپا به انجام رساند، در ۱۸۵۴ بنابه



برنارد کاسمین



فرانس لیست



جوزف بوهم

توصیه فرانس لیست^{۲۵} نابغه بزرگ موسیقی جهان سینگر پست کنسرت مایستر وایمار را پذیرفت که تا سال ۱۸۶۱ ادامه داشت. او همچنین یکی از اعضای مشهور تریوی وایمار بود که در آن برنارد کاسمین^{۲۶} و هانس وُن

¹⁹ Dotis

²⁰ Gustav Ellinger

²¹ David Ridley-Kohne

²² Leopold Auer

²³ Joseph Böhm

²⁴ Gottfried von Preyer

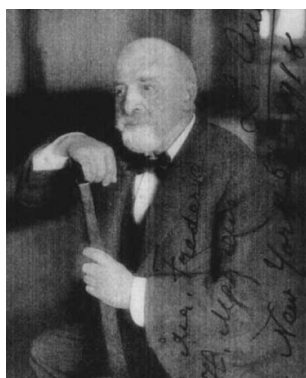
²⁵ Franz Liszt

²⁶ Bernhard Cossmann

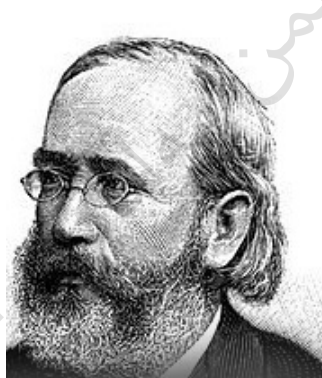
بولو^{۲۷} هم می‌نواختند. سینگر در اشتودگارت^{۲۸} نیز کنسرت مایستر و استاد کنسرواتوار بود. از تالیف‌های او می‌توان به مورسو دُ سالن^{۲۹} ایرز واریز^{۳۰}، فانتازیا^{۳۱} و کارناوالِ آنگله اشاره کرد. همچنین او بسیاری از آثار ادبی



گوتفرد پری‌پر



لئوپلد آور



اسپیدل



هانس وُن بولو

موسیقی آکادمیک را در ارتباط با ساز ویلن مورد مطالعه، اصلاح و انگشت‌گذاری قرار داده است، رمانس‌های اپوس ۴۰ و ۵۰ و کلیه ویلن سونات‌های بتهوون، اتودهای کروتزر، تریوهای شماره ۱ و ۲ مندلسون (که با همراهی کاسمن و اسپیدل^{۳۲} به انجام رسیده)، ۲۴ کاپریس رُد، روندو بریلیانت از شوپرت، دوئت‌های اشپور اپوس ۳، ۳۹، ۶۷، ۱۴۸، ۱۵۰ و ۱۵۳ بخشی از مجموعه به‌شمار می‌روند.

سینگر در ۲۳ ژانویه ۱۹۱۲ در اشتودگارت چشم از جهان فرو بست. نام و یادش گرامی باد.

²⁷ Hans von Bulow

²⁸ Stuttgart

²⁹ Morceaux de Salon

³⁰ Airs Varies

³¹ Fantasias

³² Wilhelm Speidel